

## ماجرای شهردار ۵۰میلیونی

**خبرآنلاین:** ویدئویی که به‌تازگی در فضای مجازی دست به دست می‌شود، شهردار یکی از مناطق تهران را در حال سرکشی به اماکن عمومی نشان می‌دهد که با لحنی تند، پیمانکاران را مواخذه می‌کند. جریمه ۵۰میلیونی صادر می‌کند و در جای دیگر هم دستور نصب صندلی و آلاچیق می‌دهد. از مقابل مغازه میوه‌فروشی می‌گذرد و می‌گوید دلش می‌خواهد آن مغازه سه روز تعطیل باشد. معیار روزهای تعطیل‌شده هم مشخص نیست.

نخستین پرسش این است: این جریمه‌ها و دستورات، بر چه اساس قانونی صادر شده‌اند؟ آیا تخلفی مستند شده؟ آیا دستورها در چارچوب برنامه رسمی منطقه بوده‌اند؟ یا اینکه شهردار صرفاً تصمیم گرفته به سبک افسانه‌های رضاشاهی، «شخصاً» به رفع مشکلات شهر بپردازد؟ این سبک نظارت، دقیقاً یادآور همان روایت‌های شبه‌افسانه‌ای از رضاشاه است. قصه‌هایی که مثلاً نقل می‌شود شاه، نانوا را به جرم گران‌فروشی به داخل تنور انداخت؛ روایت‌هایی که نه سند دارند، نه منبع معتبر. خسرو معتضد، مورخ، به‌درستی تأکید می‌کند که اینها ساخته ذهن فیلم‌نامه‌نویسان است، نه تاریخ.

امانی جاجرمی، استاد دانشگاه، درباره این سبک مدیریت می‌گوید: این کار بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. هرکسی که سابقه‌ای در امور اداری داشته باشد، می‌داند که تصمیم‌گیری‌های اداری پیچیدگی زیادی دارند. آهنگ تصمیم‌گیری‌های هیئت‌با اقدامات فردی متفاوت است. بالاخره بودجه لازم است، مقررات وجود دارد، طرح تفصیلی باید رعایت شود و هماهنگی‌های بین‌دستگاهی نیاز است. به نظر من، این فقط یک فیلم تبلیغاتی بود و نباید آن را جدی گرفت و بیشتر شبیه یک نمایش تبلیغاتی است. به نظر می‌آید دوره این حرف‌ها گذشته. حالا بروید بررسی کنید و ببینید از میان تمام دستوراتی که داده شده، چند مورد واقعا اجرایی شده‌اند؟ به نظر بیشتر شبیه فیلم است، شاید هم فیلم طنز. او تأکید کرد: اینکه یک نفر به‌عنوان سوپرمن وسط ببرد و بخواید همه مشکلات را شخصا حل کند، این مدل دیگر برای سازمان‌های اداری کارایی ندارد. او افزود: حتی لباسی هم که آن فرد پوشیده بود، مناسب نبود. شهردار، حتی اگر شهردار منطقه باشد، باید نماد نظم و قانون باشد. چهره‌اش باید به مردم حس قانون، مقررات، ادب و انضباط بدهد. مقام اداری باید سمبل این مفاهیم باشد. اینکه الان چنین چیزی را می‌بینیم، به نظرم خیلی عجیب و هضم‌ناشدنی است، اما خوب، رفتارها هم دارند. کسانی که این فیلم را ساخته‌اند، احتمالاً در اتاق فکرشان روی چنین فضایی حساب کرده‌اند.

ایمانی جاجرمی تصریح کرد: این مدل تصمیم‌گیری، البته در دولت هم هست و ربطی به دولت فعلی ندارد؛ وقتی به سفر استانی می‌روید و ناهیان تصمیمی می‌گیرید یا دستوروی صادر می‌کنید، همین رفتار را تکرار می‌کنید. این شهردار هم همان کار را کرده و کار عجیبی نکرده؛ همان مدلی که امروز در کشور رایج است. دولتمردان تصور می‌کنند اگر از تهران بلند شوند و بروند مثلاً در بلوچستان یا ایلام، می‌توانند تصمیمات خارق‌العاده بگیرند و همه مشکلات را همان‌جا حل کنند. این چیزی است که در سطوح بالای مدیریتی هم وجود دارد.



او گفت: مشکل اساسی این است که ما هنوز مدیریت و اداره‌کردن را در قالب کنش‌های فردی و قهرمانانه درک می‌کنیم. برای همین است که نهادهایی برای ما جدی نیست. نهاد باید درست عمل کند و کارآمد باشد، حالا چه شهرداری باشد، چه وزارتخانه. فرد نباید نقش تعیین‌کننده داشته باشد. عجیب است که فکر می‌کنیم همه چیز متوقف است و فقط یک آدم شجاع و قاطع کم داریم که بیاید و همه مشکلات را حل کند. این‌طور نیست. با چنین نگرشی هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد.

ایمانی جاجرمی افزود: شمد حتی نمی‌توانید یک خانواده را این‌گونه اداره کنید. پدر خانواده باید دستور بدهد و بچه‌ها را تنبیه کند؟ این ضد خانواده است. همین منطق درباره اداره شهر و کشور هم صادق است. مسائل عمیق‌تری پشت این وضعیت هست که باید به آنها هم توجه شود. محمد حقانی، معاون پیشین خدمات شهری، نیز با صراحت از تخریب سازوکارها گلایه دارد: جریمه و برخورد با پیمانکاران مختلف نباید براساس احساسات یا سلیقه‌های فردی باشد.... این نوع رفتارها به تضعیف بدنه پیمانکاران خدمات شهری منجر می‌شود.

او که تجربه معاونت خدمات شهری شهرداری تهران را دارد، در نقد این رویکرد می‌گوید: در زمان تصدی بنده، نظام فنی و اجرایی دقیقی برای ایس حوزه تدوین کرده بودیم که در آن نحوه تعامل و برخورد با پیمانکاران به‌روشنی مشخص شده بود. جریمه و برخورد با پیمانکاران مختلف نباید براساس احساسات یا سلیقه‌های فردی باشد. با اقدامات باید بر پایه ضوابط فنی و قراردادهای مشخص انجام گیرد تا هم عدالت رعایت شود و هم پیمانکاران لاسرر نشوند. او تصریح می‌کند: این نوع رفتارها در نهایت به تضعیف بدنه پیمانکاران خدمات شهری منجر می‌شود و موجب می‌شود که این شرکت‌ها نتوانند رشد کرده و عملکرد مناسبی ارائه دهند. در نظام فنی حوزه عمرانی، بیش‌پرداخت‌هایی برای تجهیز کارگاه به پیمانکار داده می‌شود. متأسفانه در حوزه خدمات شهری چنین حمایتی وجود ندارد و پیمانکاران بنیه‌ای ضعیف دارند.

او تأکید می‌کند: برخورد قانونی با تخلفات ضروری است، اما هم‌زمان باید از پیمانکاران درستکار و حرفه‌ای حمایت شود تا ساختار خدمات شهری از ثبات، قدرت اجرایی و کیفیت لازم برخوردار باشد.

این شیوه «اقتدار نامبی» در مقابل «اقتدار نهادمند» قرار می‌گیرد. جامعه امروز، تفاوت میان مدیریت واقعی و شواف رسانه‌ای را تشخیص می‌دهد. دیگر شهروندان تماشاگر ساده‌دلی نیستند که با یک ویدئوی تبلیغاتی قانع شوند. آنها تغییر را در زندگی روزمره لمس می‌کنند، نه در هیاهوی دوربین.

مدیریت شهری یعنی نهادهایی، یعنی شفافیت، یعنی سازوکار. نه تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای، نه نمایش قهرمانانه و نه دستورهای بی‌پشتوانه در کوچه و خیابان. اینکه شهردار منطقه، شخصا و ناگهانی پروژه تعریف می‌کند، یعنی طرح «شهردارم» شکست خورده است؛ چون اگر کار مشارکتی و برنامه‌محور پیش می‌رفت، اصلاً نیازی به این صحنه‌سازی‌ها نبود.



علیرضا زاکانی در میانه سال ۱۴۰۰ به‌عنوان شهردار تهران

انتخاب شد؛ انتخابی که از همان ابتدا با حواشی زیادی همراه بود. او که سابقه نمایندگی مجلس و فعالیت در حوزه‌های

سیاسی را داشت، بدون داشتن تجربه اجرایی مستقیم در حوزه مدیریت شهری، کلید ساختمان بهشت را در دست گرفت. بااین‌حال، زاکانی نه‌تنها با اعتمادبه‌نفس کامل کار خود را آغاز کرد، بلکه در این سال‌ها وعده‌های بزرگی هم داد؛ از شکستن کمر ترافیک گرفته تا ساخت سالی ۱۸۰ هزار واحد مسکونی برای شکستن کمر مسکن! او خود معتقد است تحولی در تهران ایجاد کرده و کارنامه‌ای با نمرة بالا دارد؛ اما در صحن شورای شهر تهران، از سوی برخی از اعضا «سلطان وعده‌های محقق‌نشده» نامیده شد. روز گذشته یکی از اعضای شورای شهر تهران در تذکری از عدم تحقق وعده‌های شهردار تهران در امور شهری انتقاد کرد و پرسید که مدیریت شهری چگونه می‌خواهد در آینده درباره کارنامه عملی خود و آسیب‌شناسی انتقادی آن توضیح دهد؟

نرجس سلیمانی، عضو شورای شهر تهران، با اشاره به برگزاری نشست خبری شهردار تهران در ساختمان بلدیه -پروژه‌ای که باید سال گذشته به بهره‌برداری می‌رسید، اما حالا پیش از تکمیل، در آن یک نشست خبری و یک نمایشگاه برگزار شده- گفت: این پروژه نماد ناکارآمدی‌هایی است که باید به دقت مورد موشکافی قرار گیرد. او با بیان اینکه نشست اخیر شهردار تهران احتمالاً ازجمله آخرین نشست‌های دوره ششم مدیریت شهری است، افزود: این نشست در حکم ارائه کارنامه نهایی شهردار تلقی می‌شود و با توجه به ادعاهای مطرح‌شده در زمان رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی آن با عملکرد چهار سال گذشته ضرورتی جدی دارد.

سلیمانی در ادامه، با اشاره به ادعای هفت‌گانه مدیریتی در برنامه زاکانی، اظهار کرد: خروجی این رویکردها چیزی جز یک کاریکاتور ناموزن و فاقد اعتبار نبوده است. وی گفت: از میان ۱۲ چالش کلیدی که در برنامه شهردار به آنها اشاره شده بود -مانند ساختار فریه، درآمد‌های ناپایدار و نوسازی بافت فرسوده- تنها در مناطق محدودی مانند نظرآباد اقداماتی انجام شد و دستاورد درخور توجهی دیده نمی‌شود. او ادامه داد: در حوزه حمل‌ونقل عمومی، با وجود بودجه مناسب، یشرفتی حاصل نشده و تعداد ناوگان اتوبوسرانی و تاکسی از سال ۱۳۹۶ فراتر نرفته است. حتی در حوزه آلودگی هوا، بازمیز و زمستان ۱۴۰۳ به‌عنوان یکی از آلوده‌ترین دوره‌های تاریخ تهران ثبت شد. رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران با اشاره به وعده استفاده از نخیکن تهرانی، تصریح کرد: برخلاف آنچه در برنامه شهردار آمده بود، بیشترین بهره‌برداری از مدیران

## پایتخت در محاصره بحران‌ها؛ از درختان رو به زوال تا موش‌های غول‌پیکر

**شرق:** بحران محیط زیست شهری در تهران دیگر فقط دغدغه‌ای برای فعالان محیط زیست نیست، حالا اعضای شورای شهر هم رنگ خطر را به صدا درآورده‌اند. از خشک‌سالی فضای سبز گرفته تا جولان موش‌های عظیم‌الجثه، شهروندان تهران با مجموعه‌ای از چالش‌های رو به گسترش مواجه‌اند. سوده نجفی، رئیس کمیته شورای شهر تهران، روز گذشته در تذکری هشدارآمیز، تصویری نگران‌کننده از وضعیت فضای سبز پایتخت ارائه کرد. او با اشاره به وضعیت تأسف‌بار فضای سبز در میدان آزادی گفت: «حال فضای سبز و درختان شهر تهران خوب نیست». این جمله کوتاه، به دل خود بحرانی عمیق را پنهان دارد. او با استناد به تصاویر منتشرشده از وضعیت میدان آزادی، از خشک‌شدن چمن‌ها و قطع سه اصله درخت در این منطقه خبر داد و افزود: «آفت و بیماری این درختان تنها دلیل قطع آنها نبوده، بلکه نبود اقدامات پیشگیرانه از سوی شهرداری نیز نقش مهمی داشته است.» شهرداری منطقه ۹ اعلام کرد قطع درختان در راستای حفظ جان و مال شهروندان انجام شده، اما سؤال اینجاست که چرا پیش از رسیدن به این نقطه بحرانی، تدبیری اندیشیده نشده بود؟ نجفی با تأکید بر اینکه مشکل فقط به درخت‌ها محدود نمی‌شود، افزود: «خشک‌شدن چمن‌ها نشانه‌ای از ضعف ساختاری در نگهداری فضای سبز شهری است.»

او شهرداری خواست با توجه به تغییرات اقلیمی، کم‌آبی و افزایش دما، در سیاست‌های فعلی خود تجدیدنظر کند. به گفته او، «برنامه‌های فعلی شهرداری در حفظ فضای سبز با محدودیت منابع، به بن‌بست رسیده‌اند». نجفی سخنان خود، به اهمیت نمادین میدان آزادی اشاره کرد؛ بنایی که برای بسیاری در جهان، مترادف با تهران است. او با لحنی نگران گفت: «میدان آزادی تنها یک میدان نیست، بلکه نماد ملی ماست. رسیدگی به آن باید در اولویت شهرداری باشد». ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران هم با انتقاد از باقی‌ماندن کارخانه دخانیات در منطقه ۱۱ تهران، گفت: «این کارخانه نیمه‌فعال حالا به مانعی جدی برای توسعه شهری تبدیل شده است.»

او افزود: «سال‌هاست که وعده انتقال این کارخانه داده شده و حتی محل جایگزین هم

در شهرهای اطراف ساخته شده، اما اقدام نهایی انجام نشده است». این بنای صنعتی، حالا نه‌تنها تولید خاصی ندارد، بلکه به منبع آلودگی صوتی و هوا و معضلی برای ترافیک محله بدل شده است. امانی به بحران موش‌های تهران هم پرداخت. او گفت: «مردم

می‌گویند موش‌ها اندازه گربه شده‌اند. حتی گربه‌ها هم جرئت مقابله با آنها را ندارند». این

جمله طنزآلود و در عین حال تلخ و واقعیتی تکان‌دهنده از پایتخت را آشکار می‌کند؛ فقدان یک سیستم کارآمد برای کنترل چوندگان در شهری که روزانه میلیون‌ها نفر در آن زندگی

می‌کنند. او با انتقاد از بی‌عملی شهرداری در مهار این بحران گفت: «در دنیا روش‌های

آزموده‌شده‌ای برای مهار جمعیت موش وجود دارد. چرا از شرکت‌های دانش‌بنیان استفاده

نمی‌شود؟ چرا سفرهای خارجی مسئولان هیچ دستاوردی برای این مسائل عینی ندارد؟»

نورا حسینی

سیاسی غیربومی فاقد تخصص لازم صورت گرفت و وعده‌های بهره‌گیری از ظرفیت نخیکن شهری عملاً نادیده گرفته شد. او همچنین به ناکامی در تحقق قراردادهای حمل‌ونقل عمومی با کشور چین اشاره کرد و گفت: هیچ توضیح قانع‌کننده‌ای درباره عدم اجرای این قراردادها در نشست خبری ارائه نشد.

عضو شورای شهر با انتقاد از وضعیت سازمان فناوری اطلاعات شهرداری (فآوا) افزود: در حالی که شهردار از هوشمندسازی سخن می‌گوید، این سازمان دچار هرج‌ومرج مدیریتی است و حتی در حوزه‌هایی مانند مترو که قابلیت بالای بهره‌گیری از فناوری دارند، به‌روزسانی‌ها به‌موقع انجام نشده و خطاهای متعددی در بخش سیکنالینگ رخ داده است.

سلیمانی با اشاره به توزیع تخفیفات در حوزه شهرسازی

خاطر نشان کرد: تخفیف‌های ارائه‌شده عمدتاً در اختیار جمع

محدودی از فعالان بزرگ‌مقیاس قرار گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که

تنها کمتر از یک نفر در هر ۱۰ هزار نفر از جمعیت تهران از منافع

آن بهره‌مند شده‌اند.

او تأکید کرد: پراکندگی وعده‌ها و اظهارات متعدد شهردار

در سال‌های مختلف باعث ابهام در افکار عمومی شده و

نشان‌دهنده فقدان درک جامع و دقیق از ابعاد مدیریت شهری

است. وی ادامه داد: فروش هزاران میلیارد تومان از دارایی‌های

شهرداری و عدم شفاف‌سازی درباره وضعیت قطعی انواع

بدهی‌ها، از نکات غیرقابل تحمل در مدیریت شهری است. از

سوی دیگر، حجم بودجه شهرداری رشد نزدیک به هفت برابر

داشته است؛ اما با در نظر گرفتن کاهش ارزش پول به دلیل

تورم، این افزایش بودجه ارتباط معناداری با افزایش خدمات،

توسعه زیرساخت‌ها و امکانات شهری ندارد.

سلیمانی با اشاره به عملکرد زاکانی گفت: ایشان که اغلب

عدم توفیق‌های دیگران را به ناتوانی، بی‌فکری و بی‌غیرتی

نسبت می‌دهند، چگونه قصد دارند در آینده درباره کارنامه

عملی خود و آسیب‌شناسی انتقادی آن توضیح دهند؟ او در

پایان صحبت‌های خود، با اشاره به بی‌ثی از فردوسی گفت:

«بزرگی سراسر به گفتار نیست/ دودض گفته چون نیم کردار

نیست». در ادامه، محمد آقامیری، عضو شورای شهر تهران،

با تأکید بر اینکه سخنانش در جواب سلیمانی نیست، گفت:

کارنامه جریان انقلاب در مدیریت شهری خوب است و نباید

به اصلاح‌طلبان کرک بدهیم که ما را بزنند. نباید آب به آسیاب

دشمنان داخلی و کسانی که رقابت منفی با ما دارند، بریزیم.

باید این دوره را با دوره قبل مقایسه کنیم. آقامیری تأکید کرد:



### مرور وعده‌های شهردار تهران در صحن علنی شورای شهر

# روز شمار وعده‌ها خاموش است

تجربه دوره پنجم شورای شهر نشان داد اصلاح‌طلبان در مدیریت شهری تهران حرفی برای گفتن ندارند. حبیب کاشانی نیز بر ضرورت حفظ یکپارچگی، آرامش و همدلی میان اعضای شورای شهر تأکید کرد و گفت: اینکه برخی اعضای شورا برای تذکر خود ۱۰ دقیقه صحبت می‌کنند، به خودشان ربط دارد. در مدت باقی‌مانده از عمر شورا، اگر چیزی برای ما خوش نیامد، بلندگوها را برای هم روشن نکنیم. خواهش می‌کنم از این موارد خارج شویم که جلسه دچار تنش نشود.

ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، درخصوص وعده‌های شهردار تهران و تذکر نرجس سلیمانی به «شرق» گفت: یکی از بحث‌هایی که ما همیشه از همان اولین دوره شورا مطرح می‌کردیم، این بود که مدیران عالی کشور، به‌ویژه در مدیریت شهری، باید نسبت به وعده‌هایی که می‌دهند حساس و مسئولیت‌پذیر باشند؛ چون در مدیریت شهری، مردم از نزدیک با عملکرد مدیران در تماس هستند و بلافاصله نسبت به وعده‌ها توقع پیدا می‌کنند. او ادامه داد: مثلاً اگر گفته می‌شد ظرف یک سال فلان پروژه به بهره‌برداری می‌رسد، در همان دوره برای آن تابلو و روزشمار نصب می‌شد. اگر پروژه به‌موقع افتتاح نمی‌شد، نمره منفی برای آن در نظر گرفته می‌شد؛ مثلاً منفی یک، منفی دو یا حتی منفی ۳۶۵. سپس شهردار وقت با مردم صادقانه صحبت می‌کرد؛ ابتدا درخواست‌های می‌کرد و سپس دلایل تأخیر پروژه را توضیح می‌داد. حالا ممکن بود مردم بپذیرند یا نه، اما این یک سنت خوب و پستندیده بود. بااین‌حال، در این دوره چنین روندی شکل نگرفت. وعده داده شد، اما روزشمار نصب نشد. وقتی هم وعده‌ها محقق نشد، نه‌تنها از مردم عذرخواهی نشد، بلکه توضیحی هم با تواضع و احترام ارائه نشد. حتی در برخی موارد، برخورد طلبکارانه‌ای با اعضای شورا صورت گرفت که این وعده‌ها را یادآور می‌کردند و به این‌ها حمله می‌کرد.

به گفته او، همان‌طور که امروز یکی از اعضا اشاره کرد، برنامه‌ای که شهردار تهران در بدو ورود و در رقابت با سایر گزینه‌ها ارائه داد، فاصله زیادی با آنچه امروز در شهر اتفاق می‌افتد، دارد. برخی دوستان می‌گویند ما برنامه چهارم مصوب شورا را اجرا می‌کنیم؛ بله، اما این برنامه تفاوت زیادی با برنامه‌ای دارد که شهردار در ابتدا ارائه کرده بود.

کارنامه شهرداری زاکانی در واپسین ماه‌های دوره ششم، به موضوع جدی بحث و انتقاد در صحن شورا تبدیل شده است؛ آن‌هم در شرایطی که وعده‌ها همچنان روی زمین مانده‌اند و زمان چندی برای پاسخ‌گویی نمانده است. این انتقادها در حالی مطرح می‌شود که جریان‌های مختلف شورا، نگاه‌های متفاوتی به ارزیابی عملکرد دوره فعلی دارند.

## علاءالدین در سایه نایمینی:

### روایت ساختمانی که باید برود

**شرق:** هشدارها تکرار شده‌اند، احکام صادر شده‌اند، اما پاساژ علاءالدین همچنان ایستاده؛ در دل قلب تجاری پایتخت، ساختمانی با هزاران مراجعه‌کننده در روز، که به گفته مسئولان «ممکن است در کسری از ثانیه فروپریزد». بیش از دو دهه است که نام «پاساژ علاءالدین» نه‌فقط با موبایل و تجهیزات دیجیتال، بلکه با اخبار ساخت‌وساز، ایمنی و تخلفات شهری گره خورده است. مهدی قنبر، شهردار منطقه ۱۱ تهران، به‌تازگی گفته است: بر اساس نظر مراجع ذی‌صلاح، این ساختمان باید منتقل شود. ما حکم پلمب آن را داریم، اما تاکنون فقط اخطارهای بی‌بردی داده‌ایم. او با اشاره به اینکه ساختمان علاءالدین نه پایان‌کار دارد، نه پارکینگ و نه ایمنی لازم برای پذیرش هزاران مراجعه‌کننده روزانه، هشدار داد که اگر حادثه‌ای رخ دهد، سرعت گسترش آتش در این پاساژ می‌تواند فاجعه‌بار باشد. شهردار منطقه می‌گوید: «تاایمن‌بودن این ساختمان بارها از طریق بنر و اطلاعیه اعلام شده، اما هنوز اقدامات جدی برای تعطیلی یا انتقال آن صورت نگرفته است.» پاساژ علاءالدین مدت‌هاست که در فهرست سیاه بناهای نایم تهران قرار دارد. در سال ۱۳۹۴ بود که پس از ساخت غیرمجاز طبقه هفتم این ساختمان، موجی از اعتراض و واکنش‌ها به راه افتاد. آن زمان بمقدارقبالیف شهردار تهران بود و در نهایت، بخشی از طبقه هفتم علاءالدین با حکم دادگاه تخریب شد. در همان دوران، چندین بار سخن از تخلّلات در تفکیک واحدها، عدم رعایت اصول آتش‌نشانی و نبود مجوزهای رسمی برای بهره‌برداری مطرح شد. اما نتیجه چه بود؟ پاساژ همچنان با همان وضعیت باقی ماند، با هزاران مترمربع مغازه و صدها فروشنده که معیشت‌شان به آن وابسته است. در شرایطی که شهرداری منطقه از لزوم جابه‌جایی این پاساژ سخن می‌گوید، مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران، نظر دیگری دارد. او معتقد است: «ساختمان علاءالدین قابل جابه‌جایی نیست. باید پاساژ جایگزین ساخته شود و مغازه‌داران به آنجا منتقل شوند.» چمران در عین حال هشدار داده که تعداد بیش از حد مغازه‌ها و تراکم بالای جمعیت در این ساختمان می‌تواند در زمان بحران به فاجعه‌ای انسانی منجر شود. او همچنین تأکید کرده که صاحب پاساژ در صورت انتقال، حتی سود بیشتری خواهد برد، اما هنوز محلی برای انتقال مشخص نشده است. آنچه ماجرای علاءالدین را از صرفاً یک تخلف ساختمانی فراتر می‌برد، ابعاد اجتماعی و روانی آن است. در شهری که هنوز خاطره تلخ پلاسکو از ذهن شهروندان پاک نشده، دیدن بنایی با سابقه تخلف، بدون ایمنی و پر از مراجعه‌کننده، فقط یک چیز را تداعی می‌کند: تکرار یک فاجعه. شهردار منطقه ۱۱ در سخنان خود تأکید کرد که به دنبال «برخورد قهری» نیست و پانمس اقدامات باید با همکاری مالکان انجام شود. شهرداری همچنین اعلام کرده که در حال رازینی با دستگاه‌های ذی‌ربط برای تهیه برنامه انتقال است، اما هیچ جدول زمانی مشخصی ارائه نشده. حکم پلمب روی کاغذ مانده و پاساژ، مانند گذشته، روزانه میزبان هزاران خریدار و فروشنده است.

### گزارش خبری

### پایان رانت درغرفه‌های شهری

**شرق:** در جریان سیمصد و بیست و هشتمین جلسه علنی شورای شهر تهران، دو لایحه کلیدی در حوزه بهره‌برداری از فضاهای شهری و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. لایحه «ساماندھی و بهره‌برداری شفاف از سازه‌ها و فضاهای عمومی متعلق به شهرداری تهران» پس از بررسی‌های کارشناسی و اعمال برخی اصلاحات، با رأی اکثریت اعضا به تصویب رسید.

مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورا، این لایحه را کامی مؤثر در پایان‌دادن به بی‌نظمی‌ها و رانت در واگذاری فضاهای عمومی شهری دانست. او اعلام کرد بیش از هفت هزار غرفه در سطح شهر شناسایی شده که در حال حاضر مورد بهره‌برداری قرار دارند و با اجرای این لایحه، انتظار می‌رود درآمد پایدار شهرداری تا هفت برابر افزایش یابد.

بر اساس مصوبه شورا، شهرداری تهران موظف است ظرف دو ماه دستورالعمل اجرایی این لایحه را تدوین و اجرا کند. این دستورالعمل شامل ضوابط قیمت‌گذاری، نوع فعالیت، شرایط قرارداد و نحوه واریز درآمدها به خزانه شهرداری خواهد بود. همچنین کلیه اطلاعات مربوط به محل، نوع فعالیت، وضعیت حقوقی و قراردادی این فضاها باید در سامانه‌های «شفافیت» و «نهاد» بارگذاری شود.

پیرهادی تأکید کرد: «از این پس، هرگونه واگذاری یا تعدیل قرارداد خارج از چارچوب مصوب، فاقد وجاهت قانونی خواهد بود».

#### مناقشه بر سر سرمایه‌گذاری: اصلاحات برای جلوگیری از انحراف

در ادامه جلسه، بررسی مواد ۱۹ تا ۲۲ لایحه «چگونگی سرمایه‌گذاری برای تولید در کلیه حوزه‌های شهری» نیز در دستور کار شورا قرار گرفت و بحث‌هایی دامنه‌دار میان اعضا درگرفت.

بسیاری از اعضا با تخفیف‌های بی‌ضابطه در عوارض، بندهای مبهم درباره تضمین خرید و گسترده‌گی اختیارات شهرداری در این لایحه مخالفت کردند. احمد صادقی و محمد آخوندی از کمیسیون برنامه و بودجه، بر ضرورت تمرکز بر قراردادهای برد-برد و حذف بوروکراسی زائد تأکید کردند و تخفیف‌های سطحی را فاقد اثرگذاری دانستند.

در نهایت، ماده ۲۰ به دلیل تداخل با مفاد سند جامع سرمایه‌گذاری و ارائه اختیارات گسترده به شهرداری، با پیشنهاد اعضا و تأیید رئیس شورا، از متن لایحه حذف شد.

ماده ۲۲ نیز که به موضوع «خرید تضمینی» محصولات تولیدی در پروژه‌های مشارکتی اختصاص داشت، پس از انتقاد‌های جدی نسبت به پتانسیل رانت‌زایبودن، بازنویسی شد. بر اساس نسخه اصلاح‌شده، شهرداری تهران صرفاً مجاز است «محصولات مورد نیاز مدیریت شهری» را آن هم «در چارچوب مشارکت رسمی» و «با قیمت توافقی» خریداری کند. عبارت «خرید تضمینی» به طور کامل از متن لایحه حذف شد.

در همین راستا، اعضا بر لزوم تعیین سقف برای خریدها، شفاف‌سازی نوع محصولات و الزام تأیید شخص شهردار در کلیه معاملات تأکید کردند.

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، با انتقاد از خطر انحراف مأموریت شهرداری به نگاه‌داری اقتصادی، هشدار داد: «ن نباید شهرداری را جای وزارت جهاد یا نهادهای بازرگانی بنشانیم. مأموریت شهرداری، مدیریت و سیاست‌گذاری است، نه تصدی‌گری در تولید یا خرید کالا».

با تصویب اصلاحات پیشنهادی، شورای شهر تهران مسیر خود را به سمت ایجاد شفافیت، انضباط مالی و جذب سرمایه‌گذاری در حوزه مدیریت شهری با چارچوب‌های مشخص‌تر هموار کرد.